

طبرزدي نماد جريان سوم

اخيرا پايگاه خبري پيك نت با ارائه مطلبي در خصوص جنبش دانشجويي بر خلاف رويه معمول به جريان طبرزدي اشاره نمود. اما اين اشاره نه در راستاي حمايت از يك زنداني عقیده و نظر بود بلکه نويسنده (که ظاهرا از بكار بردن نام واقعي خود ابا دارد) طبرزدي را به عنوان عنصر وابسته به مافياي قدرت قلمداد نموده و حتي ايجاد تشکيلات دانشجويي توسط او و همفكرانش را منتسب به باند رفسنجاني _ فلاحيان عنوان کرده است. (پيش از اين نيز مردامادي رييس کميسون امنيتي مجلس تلويحا چنين سخناني بر زبان رانده بود) گويا اين اخيرين راهبرد رهبران جناح چپ حکومت در مقابله با جريان طبرزدي يا به قول خودشان جريان سوم مي باشد . قابل ذکر است که اين بر خورد جناح چپ حکومت در زماني انجام مي گيرد که جناح راست حکومت از حدود 5 ماه قبل پس از تظاهرات سالگرد 18 تير که به اعتقاد ناظران سياسي جدي ترين چالش پس از تير ماه 78 در برابر حکومت بود، طبرزدي و شماري از رهبران و فعالان اين جريان را بازداشت نموده از قرار معلوم برخي را به حبس هاي بلند مدت محكوم ، برخي را ممنوع القلم و ممنوع الفعاليت نموده و بقيه نيز در حال احظار هاي پياپي به دادگاه مي باشند. در واقع از نظر جناح راست حکومت کار جريان طبرزدي تمام شده است.

اکنون پرسشي که مطرح است آنکه چرا در اين موقعيت که سياست چپهاي حکومت بسط وضعيت مي باشد و مدام در حال دست و پا زدن براي يار گيري اند و در حالیکه به يمين تظاهرات دانشجويي اخير بن بست اصلاحات روزه اميدي يافته است و نيز در حالیکه دو جناح حاکم براي اتيه خود در حال مسابقه جهت رسيدن به پاي ميز مذاکره با امريکا مي باشند، به چه سبب مساله طبرزدي در دستور کار جناح چپ حکومت قرار مي گيرد .

پاسخ اين معما نيازمند جواب دادن به يك پرسش ديگر است وان اينکه طبرزدي کيست؟ از خلال مصاحبه ها، نشريات و بيانيه هاي اين گروه و نيز سيري در وقايع 24 سال اخير و پرس و جو با دانشجويان جديد و قدیم به نتايج ذیل نایل امدم :

حشمت الله طبرزدي دانشجوي اخراجي سال 56 (به دليل فعاليتهاي ضد رژيم) بود که پس از انقلاب به دانشگاه بازگشت. وي به واسطه اعتقادات مذهبي و شور سياسي وارد انجمنهاي اسلامي دانشجويان گرديده و به پشتوانه سابقه فعاليتها از همان ابتدا جزو شوراي مر کزي دفتر تحکيم وحدت مي گردد . در ان زمان در تحکيم وحدت دو طيف وابسته به مجاهدين انقلاب و يك طيف حزب جمهوري وجود داشت . جريان مجاهدين انقلاب به دو شعبه جناح بهزاد نبوي (افراطي ها) و راستين کاشاني (ارتجاعي ها) تقسيم ميشدند. طبرزدي به واسطه خصلت استقلال طلي منفرد بوده از اين رو در جنگ جناحها ابتدا از شوراي تحکيم سپس از انجمن اسلامي دانشجويان حذف مي گردد. سر انجام جناح نبوي به مدد شعارهاي تند و جو غالب ان زمان شوراي تحکيم را يکسرده در تصرف خود در آورده و اين امر آغاز جو تک صدائي در

دانشگاهها می گردد. انقلاب فرهنگی، اشغال سفارت امریکا و... جنگی در انحصار این جریان قرار می گیرد. آنها نه تنها درون تشکیلات تحکیم که از ابتدا قرار بود دفتر هماهنگی انجمنهای اسلامی دانشجویان با سلیق گوناگون باشد انحصار را در پیش گرفتند بلکه در دانشگاهها نیز امکان بروز هیچ گرایشی را ندادند. در واقع این گروه متولی تک صدایی در دانشگاهها بوده... در این برهه طبرزدی و تعدادی از اعضای انجمنهای دانشجویان که با مشی حاکم بر تحکیم وحدت مخالف بودند بتدریج گرد هم آمدند و تصمیم به ایجاد تشکل دیگری گرفتند. آنها ابتدا بدلیل عدم امکان فعالیت علنی در دانشگاهها با تشکیل اردوهای نیمه علنی در سطح محدود کار خود را آغاز کردند.

از سوی دیگر این زمان یعنی سالهای اولیه دهه 60 چپ روی و تند ی انقلابی سکه رایج در جامعه بود، در این میان هاشمی رفسنجانی که به پیروی از مکتب اصالت نفع شهره است با در نظر گرفتن جو حاکم بر جامعه به شعارهای چپ روانه پرداخت و عملاً بر این جریان سوار شد. خطبه هایی که او به عنوان عدالت اجتماعی در نماز جمعه تهران می خواند زبانزد انروزها بود. دفتر تحکیم نیز در خارج از دانشگاه در کنار چهره های چپ حاکمیت با این شخص پیوند خورده بود. حتی در یکی از نشریات داخلی تحکیم وقتی گزارش ملاقات با رفسنجانی درج می گردد از قول او به اعضای شورای تحکیم آمده که چرا شما دور خامنه ای را نمی گیرید.

رفسنجانی در اینجا به آنها توصیه میکند که خامنه ای ازمن هم بیشتر زمینه همکاری با شما را دارد ولی چون جناح راست دور وبر ایشان را گرفته اند میتوانند از او بهره برداری کنند. در این جو بود که اردوهای محدود خارج از دانشگاه طبرزدی و همفکرانش از سوی تحکیم وحدت تحمل نشده و در نشریات داخلی خود به عنوان اردوهای مخفی از ان یاد نموده و نسبت به ان اعلام خطر می کردند. مدتی بر این روال طی گردید تا مساله در گذشت خمینی رخ داد. با توجه به اینکه عناصر گرد او و بیتش عمدتاً از جناح چپ حاکمیت بودند تا ان زمان محور قدرت بر این پاشنه می چرخید اما با در گذشت او و جانشینی خامنه ای نظر به اینکه اطرافیان عناصر راست گرد آمده بودند بطور طبیعی می شد وضع آینده را حدس زد. رفسنجانی با دریافت این موضوع دست به یک چرخش سیاسی زد و عناصر چپ حکومت بتدریج از گرد او و عرصه قدرت بر کنار شدند این زمان تشکیلات طبرزدی با مغتنم شردن فرصت تزلزل ایجاد شده در حمایت از تحکیم وحدت بهره جست و خود را کاملاً علنی نمود. رفسنجانی که گروه تحکیم را از دست داده می دید تصمیم گرفت برای پر کردن این خلا از هر گروه مخالف ان حمایت کند. اما چندان نباید که راست از خواب بیدار شود. موضعگیری تشکیلات طبرزدی در انتخابات مجلس سوم (اواخر سال 66 و اوایل 67) نشان داد که او همچنان عنصر مستقلاً است همین امر باعث شد جناح راست برای خود گروهی به نام جامعه اسلامی دانشجویان را ایجاد نماید طبرزدی از در گیری جناحها بهره برد و در دانشگاههای مختلف شروع به ایجاد شعبه انجمن اسلامی دانشجویی نمود همچنین با مانورهای سیاسی توانست نشریه ای منتشر سازد اما اینها همه مقدمه ای برای موضعگیریهای صریح بود. از این پس پیام دانشجویان برای نخستین بار پرده از اختلاسهای کلان از جمله اختلاس 123 میلیاردی برداشت و به این وسیله عمق فساد حکومت را برملا ساخت. او تنها از فساد جناح راست حکومت نگفت بلکه همپای ان مفساد جناح دیگر و حتی وابستگان به

رفسنجانی را نیز هدف گرفت حمله های او به سیاستهای رفسنجانی منجر به توقیف و تعطیلی پیام دانشجو در سال 75 گردید. از آن پس هر دو جناح حکومت در سرکوب این گروه اتفاق نظر یافتند. اولین حمله های انصار حزب الله حمله به دفتر این گروه در سال 74 بود. ممانعت از فعالیت این گروه در دانشگاهها و همچنین احضار به دادگاه و حبس که از فردای 2 خرداد ادامه یافت رویکرد جناح راست حکومت در خصوص این گروه بود اما جناح چپ حکومت رویه دیگری برای سرکوب این گروه در پیش گرفت آنها بجای مقابله مستقیم، با طرح وابستگی این جریان به راستگرایان و اکنون با طرح وابستگی این گروه به باند هاشمی_فلاحیان (منفورترین اتهام در نزد افکار عمومی) در واقع سعی میکنند تا با تخریب وجهه این گروه انرا از میدان بدر کنند. نباید فراموش کرد که طبرزدی اتهامات سنگینی را به دوش می کشد او بود که کمک موثر نمود تا جو تک صدایی در دانشگاه شکسته شود، او بود که با پیام دانشجوی خود راه نویی به نام مطبوعات مستقل به جامعه عرضه کرد. و اکنون اگر باز او موفق شود جریان مستقل از دو جناح حاکمیت را به دنیا معرفی کند جریانی که نه مانند جناح چپ حکومت دستش به جنایات دهه 60 الوده است نه هرگز در مصدر قدرت بوده و نه استبداد راست را بر می تابد پس باید این جریان را به هر شیوه ای که شده له کرد چرا که در غیراینصورت حتی مغلوب ساختن جناح راست نیز نمی تواند شفا بخش باشد. نه در جریان رفراندوم و نه در ماراتن نشستن بر میز مذاکره .

پویا الف